

# اصول و مبانی پیشگیری از جرم

فرشید چاله چاله - قسمت پایانی

وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه

## گفتار چهارم:

نقش طراحی صحیح واحدهای

مسکونی در کاهش جرایم<sup>(۱)</sup>

امروز شهرنشینی و شهرگرایی به صورت یک پدیده اجتماعی در کلیه جوامع مطرح شده است. اگر نگاهی هر چند مختصر به جمعیت شهری در جهان بیندازیم به خوبی درمی یابیم که هم اکنون نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می کنند و طرح های موجود تا سال ۲۰۲۵ نشان می دهد که بیش از دو سوم جمعیت جهان تا آن موقع ساکن شهرها خواهند بود.

اغلب ناتوانی دولت ها منجر به مسائل و مشکلات مختلفی مانند فقر، بیکاری، سرپناه نامناسب، آلودگی محیط زیست، خشونت، جنایت و جرم شده است. در این روند وجود آن چه به صورت یک حقیقت ناخوشایند در محیط شهری رخ می نماید، گسترش بیش از پیش جرم و جنایت است. برای مثال در فرانسه طی ۲۰ سال از ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۴ میلادی جرم و جنایت پنج برابر افزایش یافته است. در فرانسه جنایت و سرقت در رأس جرایم قرار دارد که روزانه ۱۰۰ هزار سرقت در فرانسه صورت می گیرد و این وضعیت سرقت به طوری شده است که جرم شناسان آن را «شیوه دوم مصرف» تعبیر کرده اند.

افزایش جرایم، ظهور اشکال نوین بزهکاری، کاربرد تمهیدات و تدابیر جدید و ارتکاب جرایم سازمان یافته و شیوه های متنوع تظهير درآمد های نامشروع حاصل از آن ها، گسترش

فعالیت های مجرمانه منطقه ای و بین المللی در دهه های اخیر و به موازات آن بالا رفتن احساس ناامنی و ترس از وقوع جرایم در بین شهروندان به ویژه از جرایم خشونت آمیز موجب شده است که بزهکاری به صورت یکی از نگرانی های اساسی مردم در آید و در پی آن حکومت ها مطالعه، برنامه ریزی و سیاست گذاری در قلمرو کنترل آن و تخفیف ناامنی را ضروری تشخیص دهند.

سیاست های شهری که اولین بار به صورت جدی در نهمین کنگره پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین در قاهره ی مصر در ۲۹ آوریل ۱۹۹۵ مطرح شده است، در بحث سیاست های شهری - همان طور که بعداً تشریح خواهد شد - موضوع برنامه ریزی سیاست گذاری در بعد پیشگیری از جرایم شهری است. شاید برای تعیین جایگاه سیاست های شهری بعضی معتقد باشند که سیاست های شهری در واقع نوعی از سیاست جنایی است که جزئی از سیاست های عمومی دولت ها است.

این دیدگاه همان بینشی است که «مارک آنسل» در تعریف سیاست جنایی به آن معتقد بود. اما دیدگاه دیگر این است که سیاست های شهری پیشگیرانه نوعی از سیاست های اجتماعی پیشگیرانه یا در بعضی مواضع نوعی سیاست فرهنگی پیشگیرانه است. در این معنا شاید سیاست های شهری در مفهوم پیشگیری

مبنایی باید دیده جرم شهری است. و اما آن چه از تحقیقات سال های اخیر و مباحث مطروح در کنگره نهم پیشگیری

از جرایم برمی آید منظور از «سیاست های شهری» پیشگیرانه عبارتند از مجموعه تدابیر و سیاست های دولت ها که به صورت پیشگیری های عمومی و پیشگیری موضعی در محیط شهری متبلور می شود و در بعضی ابعاد می تواند در قالب های سیاست های جنایی مشارکتی پیشگیرانه نیز شکل بگیرد. در سیاست های شهری، هم دولت ها نقش فعال دارند و هم مردم دارای وظایف و مسؤلیتهای مشخص هستند و نظام بین المللی و سازمان های مربوطه نیز در نقش هماهنگی و برنامه ریزی سهیم می باشند. پس مشاهده می کنیم که عنوان سیاست های شهری یک عنوان متعین و مجزاست که در سال های اخیر در کتب علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این جا ذکر اعلامیه نهایی نخستین کنفرانس اروپا و آمریکای شمالی در خصوص تعیین شهر و پیشگیری از جرایم شهری خالی از لطف نیست. در این اعلامیه که تحت عنوان شهرهای امن تر در سال ۱۹۸۹ در مونترال منتشر گردیده است، نقش اصلی شهرها در پیشگیری از وقوع جرم چنین تبیین شده است: «در جامعه قانون اصلی، پیشگیری از وقوع جرم است. دولت ها در تمامی سطوح باید تلاش های جرم ستیزانه ای که بر مبنای جامعه است، پشتیبانی کنند. اگر بخواهیم از وقوع جرایم در شهرها پیشگیری کنیم باید گامی فراتر از نگاه عدالت کیفری، پلیس، دادگاه ها و مراکز اصلاح و تربیت برداریم. واکنش ها باید جزئی از یک

دور دیگر و گسترده باشد که بتواند نیازهای فوری را مرتفع سازد.

### مبحث ششم:

### نقد و بررسی پیشگیری اجتماعی از جرم

این پیشگیری بایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است. پیشگیری مزبور، در صدد آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش و تربیت و تشویق و تنبیه با قواعد اجتماعی آشنا و همنا کند. به دیگر سخن، این پیشگیری اجتماعی، یک «پیشگیری کنشی فرمدار» است؛ بدین صورت که با بهره گیری از تدابیر و اقدامات پیشینی در صدد شخصیت سازی و اثرگذاری بفرایند شکل گیری شخصیت افراد است.

این پیشگیری بر اساس نگرش نوینی که نسبت به آن وجود دارد به دو گونه «پیشگیری جامعه مدار» و «پیشگیری رشد مدار» تقسیم می گردد.

### گفتار اول:

### پیشگیری رشد مدار و ایرادات وارده بر آن

پیشگیری اجتماعی رشد مدار که به آن پیشگیری زود هنگام (زودرس) نیز گفته می شود، به دنبال آن است تا با شناسایی عوامل خطر، تقویت عوامل حمایتی و مداخله زودرس از پایداری افراد در بزهکاری جلوگیری کند. به بیان دیگر، پیشگیری اجتماعی رشد مدار می کوشد بابه کارگیری اقدامات مناسب روانشناختی - اجتماعی زود هنگام از تداوم و استقرار اندیشه های مجرمانه در افراد ممانعت کند.

این اقدامات باید پیش از بروز درآستانه اختلاف های احتمالی معمولی جلوی عوامل خطری را که کودکان در معرض آن هستند، بگیرد. رهیافت پیشگیری اجتماعی رشد مدار بر این اندیشه استوار است که مداخله ی به هنگام، نسبت به کسانی که به

دلیل وضعیت های ویژه در معرض ارتکاب جرم هستند، می تواند جلوی بزه کاری و تداوم گرایش های بزهکارانه آن ها را بگیرد.

### انتقادات چندی بر پیشگیری رشد مدار وارد شده است:

**الف) ناگفته پیداست که اقدام ها و برنامه های پیشگیری زودرس از رفتارهای جنایی، برای این که اثر محسوسی بر کاهش آمار بزهکاری یک جامعه معین داشته باشد باید قابل تسری و اعمال در سطح وسیعی، نسبت به کلیه اطفال، نوجوانان، والدین، مربیان، و محله هایی باشد که رفتار عوامل خطر و یا مواجهه با کمرنگ شدن عوامل حمایتی هستند. در این صورت شناسایی این قبیل اطفال، خانواده ها و محله ها و تهیه برنامه های مناسب آن ها و آزمایش این برنامه ها در سطح کوچک قبل از تعمیم آن بر کلیه موارد، نیاز به زمانی طولانی دارد. ضمن این که در بعضی روش های طولی پیشگیرانه، اقدام های روان شناختی - اجتماعی باید طی مدت های زیاد و در دوره های رشد افراد ذینفع نسبت به آن ها اعمال شود.**

**ب) برای اجرای این برنامه ها باید دست به تربیت مربیان، جرم شناسان، روان شناسان، متخصصان علوم تربیتی (یعنی پرسنل تربیتی آموزش دیده) زد که این امر نیز به نوبه خود نیاز به زمان و درعین حال بودجه زیاد دارد. بدین ترتیب عملیاتی - اجرایی کردن این نوع پیشگیری در سطح کلان مثلاً در سطح یک استان یا در سطح یک کشور، نیاز به زمان، امکانات مادی و نیروی آموزش دیده زیادی بسیار دارد.**

**ج) بنابه اصل شخصی بودن مجازات آیا می توانیم به خاطر انحرافات طفل یا نوجوان والدین را محکوم به دوره دیدن کنیم؟ این امر از لحاظ مبانی حقوق بشر عاری از اشکال نیست. اگر این برنامه ها با جلب رضایت این عده و در قالب عدالت اجتماعی باشد،**

اشکالی وجود ندارد. پیشگیری زودرس مستلزم مداخله زودرس در خلوت فرد است. تحقیق نشان می دهد که کودک علایم جامعه ستیزی دارد، اما در مرحله بعد مددکار وارد زندگی خصوصی آن ها می شود. آیا این امر مشروعیت دارد که به خاطر ارتکاب جرم به خلوت آن ها داخل شویم؟ آیا نباید به لحاظ حقوق بشر صرفاً جرم را مجازات کرد؟

البته اگر این اقدامات را اقدام تأمینی بدانم، تا حدی قابل قبول است؛ چرا که اقدام تأمینی فاقد سابقه کیفری، مدت ندارد و قبل از وقوع جرم هم امکان پذیر است. گرچه در حقوق ما بنابه ماده (۱) قانون اقدامات تأمینی و تربیتی، این قبیل اقدامات خاص مجرمین است اما اقدام تأمینی با توجه به ماهیت آن در مورد اطفال نیز قابل اعمال است.

### گفتار دوم:

**ایرادات وارده بر پیشگیری جامعه مدار** پیشگیری جامعه مدار یا محیطی که قدیمی ترین و رایج ترین شکل پیشگیری غیر کیفری بوده و مکتب تحقیقی (به ویژه انریکو فری، بنیان گذار جامعه شناسی جنایی) نیز بر آن تأکید کرده، شامل اقدام های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیشگیرنده ای می شود که نسبت به محیط هایی که فرد در آن ها زندگی و کار می کند، اعمال می شوند. مبنای جرم شناختی پیشگیری اجتماعی از نوع جامعه مدار، شناسایی عوامل مختلف محیطی بزهکاری به منظور خنثی کردن یا دست کم کاهش آثار آنها است. در واقع پیشگیری جامعه مدار از بزهکاری با بهبود شرایط زندگی در یک محیط معین به طور مستقیم بر رفتار مجرمان تأثیر می گذارد؛ به دیگر سخن در این نوع پیشگیری به مطالعه منابع بزهکاری و شناسایی علل آن که با ساختار و تشکیلات جامعه ارتباط پیدا می کنند در اولویت قرار می گیرد. تغییر اوضاع و احوال

نامساعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در بزهکار و منحرف پروری که در هر حال زمینه کنار گذاری فرد را از جامعه (اجتماع زدایی) فراهم می کنند، فقر، بیکاری، اشتغال کاذب، سوء اشتغال، بیماری، بیسوادی، حاشیه نشینی، بی مسکنی و... و نیز مبارزه با عوامل روانی - جامعه شناختی و فردی به ویژه شرایط نامطلوب خانواده که شکست های عاطفی، تربیتی و تحصیلی اطفال را فراهم می آورند، هسته اصلی این شکل از پیشگیری غیر کیفری را تشکیل می دهند. عوامل بیرونی جرم زیر عنوان محیط، یعنی دنیای پیرامون فرد، مورد مطالعه جرم شناسان قرار می گیرند. انسان از زمان تولد تا لحظه مرگ از محیط های مختلفی گذشته در آن ها زندگی، تحصیل و کار می کند و در تعامل با آن ها متحول می شود. در یک تقسیم بندی کمی، محیط در جرم شناسی به محیط فیزیکی، جغرافیایی و محیط اجتماعی تقسیم می شود. با مطالعه محیط فیزیکی که طبیعی بوده و بشر در ساخت و تغییر آن قاعدتاً نقشی ندارد، جرم شناسان به دنبال میزان تأثیر شرایط جغرافیایی، اقلیمی، جوی و آب و هوا بر رفتار مجرمانه و اشکال آنند.

محیط اجتماعی یا دنیایی که خود انسان در ایجاد و تحول آن نقش دارداما در عین حال بر شکل گیری شخصیت، رفتار و کردار انسان تأثیر گذاشته و به عبارتی انسان محصول آن است؛ به محیط اجتماعی عمومی و محیط اجتماعی شخصی تفکیک شده است. محیط نوع اول - همان گونه که از عنوان آن بر می آید - برای همه کسانی که در یک کشور معین زندگی می کنند مشترک است و بنابراین آثار مشترکی برای همه شهروندان به دنبال دارد؛ به عنوان مثال نوع نظام سیاسی، نظام اقتصادی و نظام فرهنگی حاکم بر هر جامعه رفتار و کردار خاصی را ارتقا داده و ترویج می کنند.

نظام های سیاسی قانون مدار که خود را مقید به رعایت حقوق اساسی و اولیه مردم در زمینه های مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می دانند و نظام های سیاسی فرد سالار که همه امکانات موجود را برای استمرار بقای فرد حاکم و ایدئولوژی مورد قبول او به خدمت گرفته و نیازها، خواسته ها و حقوق مردم را در پر تو اندیشه های آن فرد حاکم معنا، تعریف و تفسیر می کنند، بی تردید شخصیت ها و رفتارهای فردی و اجتماعی متفاوتی را در بین جمعیت مردم ایجاد کرده و به عنوان یک عامل کلان می توانند رفتارهای منحرفانه و مجرمانه متفاوتی را موجب شوند. در نظام های سیاسی نوع اخیر، بخش عمده ای از بزهکاران در واقع قربانیان سیاست های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و به طور کلی نحوه ی حکومت داری و حکم رانی اند. این افراد در واقع قربانی نقض انواع حقوق بشر در این قبیل نظام هائیند. ولی محیط نوع دوم، یعنی محیط اجتماعی شخصی - همان گونه که از نام آن بر می آید - شامل فضای تولد، رشد و تحول انسان شده و در هر شخصی ویژگی های مختلفی دارد؛ به عبارت دیگر، عوامل محیط اجتماعی شخصی هر کس با دیگری متفاوت است. لذا در مورد پیشگیری اجتماعی از جرم به توضیحات فوق بسنده نموده و در پایان ذکر این نکته لازم و ضروری به نظر می رسد که در برخی کشورهای عضو میثاق، با وجود دارا بودن امکانات مادی و فرهنگی و به رغم فرصتی که این میثاق برای تضمین این حقوق به آن ها داده، هنوز فقر اقتصادی و فرهنگی بر مردمان آن ها سیطره دارد و دولت های متبوع آن ها اقدام های اجتماعی لازم را برای پیشگیری عادلانه از بزهکاری، انحراف، ناسازگاری به عمل نیاورده اند. در چنین جوامعی اگر نه همه، دست کم وقوع بخشی از جرایم در حقیقت ناشی از نقض حقوق بشر توسط خود دولت هاست؛ در

نتیجه آن ها ناگزیر از تحمل هزینه های کیفری و پلیسی اعمال ارتكابی خود می باشند. از یک سو مردم از نظر اقتصادی و فرهنگی در فقر مادی و معنوی دست و پا می زنند و از سوی دیگر، از نظر اجتماعی خوردن انگ مجرمیت و سوء پیشینه کیفری آنان نمود بیرونی می یابد. هر اندازه عادلانه بودن پیشگیری اجتماعی، یا به عبارت دیگر عدم تحقق و تضمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراد پر رنگ تر شود، به همان میزان ضرورت پیشگیری وضعی و پیشگیری کیفری از جرم که عادلانه بودن تدابیر آن ها نیز ملازمه با رعایت حقوق بشر ولی این بار از نوع مدنی و سیاسی آن دارد، بیشتر احساس خواهد شد.

مبحث هفتم:

### تعریف پیشگیری وضعی

این پیشگیری در بر گیرنده مجموعه تدابیر و اقدامات غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش جنایی، از ارتكاب بزه جلوگیری می کنند. به دیگر سخن تدابیر و اقدامات موقعیت مدار با مداخله در اوضاع و احوال پیش از ارتكاب جرم، وقوع بزه را برای بزهکاران احتمالی، نامناسب و زیان آور نشان می دهند.

پیشگیری موقعیت مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) در صدد آن است از طریق کاهش جذابیت آماج جرم و جاذبه زدایی از آن، فزونی خطر شناسایی، احتمال دستگیری بزهکار و به طور کلی نامناسب جلوه دادن وضعیت پیش جنایی آمار جرایم را مهار کند.<sup>(۳)</sup>

### کفتار اول:

#### استراتژی های پیشگیری وضعی

«کلارک» استراتژی را برای طراحان پیشگیری وضعی از جرم بر شمرده است.

هر استراتژی یکی از سه مورد انگیزشی را که تصور می شود رفتار مجرمین بالقوه تحت تأثیر آنهاست، مورد بررسی قرار می دهد.

## ۱ - افزایش اقدامات لازم برای ارتکاب جرم

قصد یک دسته از استراتژی ها تحت تأثیر قرار دادن میزان تلاش ها و اقدامات لازم برای ارتکاب جرم توسط مجرم می باشد. تکنیک ها حمایت و حفاظت از آماج ها، سعی دارد با ایجاد موانع فیزیکی سبب محدود شدن فعالیت مجرمین بالقوه گردد. قفل کردن درب ها، استفاده از قفل فرمان در اتومبیل ها، استفاده از گاو صندوق ها و بهره گیری از شیشه های ضد گلوله نمونه هایی از حمایت و حفاظت از آماج های جرم به شمار می روند.

اقدامات مربوط به «کنترل دسترسی» ورود مجرمین بالقوه را به محیط های فیزیکی یا مجازی مشکل تر می سازد. از کنترل دسترسی در طراحی محیط های شهری به طور گسترده برای جلوگیری از ورود غریبه ها به محیط های خاص استفاده می شود برای مثال با مسدود کردن خیابان ها از ورود اتومبیل های غریبه به یک محل خاص جلوگیری می کنند) هم چنین از این تکنیک می توان در ساختمان ها استفاده کرد (برای مثال با قرار دادن یک میز پذیرش در اماکن عمومی یا خصوصی ورود و خروج افراد کنترل کنند). کلمات عبور و کدهای بانکی الکترونیکی که موجب محدودیت دسترسی به پرونده ها در سیستم های الکترونیکی می گردد نمونه هایی از کنترل دسترسی می باشد.

برخی از روش های پیشگیری وضعی از جرم سعی دارند مجرمین را منحرف نمایند بدین نحو که از مواجه شدن بزهکاران بالقوه با موقعیت و فرصت ارتکاب جرم

پیشگیری کنند. طراحی و ساخت استادیوم های فوتبال، بدین نحو که تماشاچیان رقیب از هم جدا باشند تا بدین وسیله فرصت اعمال خشونت بار کم تر شود، نمونه ای از تکنیک مذکور می باشد.

## ۲ - افزایش خطرات ارتکاب جرم

گروهی دیگر از تکنیک های تشریح شده توسط «کلارک» سعی در افزایش خطرات ارتکاب جرم برای مجرمین بالقوه دارند. کنترل ورود و خروج برای مشکل ساختن ورود یا خروج برخی اشیاء به محل های خاص صورت می گیرد. برای نمونه فلزیاب های کار گذاشته شده در فرودگاه موجب افزایش خطر دستگیری کسانی که قصد بردن سلاح یا مواد منفجره به داخل هواپیما را دارند، می گردد. دستگاه های دزدگیر یا کشف سرقت در فروشگاه های کتاب و غیره به منظور جلوگیری از سرقت کتاب یا اجناس نصب می شود.

شاید مراقبت و نظارت رسمی معروف ترین تکنیک پیشگیری وضعی از جرم باشد. مراقبت رسمی شامل بهره گیری از افسران ملبس به لباس رسمی (یونیفرم) یا وسایل کنترل و مراقبت برای ترساندن مجرمین بالقوه است. دوربین های امنیتی و سایر ابزار آلات الکترونیکی امنیتی

**شاید مراقبت و نظارت رسمی معروف ترین تکنیک پیشگیری وضعی از جرم باشد. مراقبت رسمی شامل بهره گیری از افسران ملبس به لباس رسمی (یونیفرم) یا وسایل کنترل و مراقبت برای ترساندن مجرمین بالقوه است. دوربین های امنیتی و سایر ابزار آلات الکترونیکی امنیتی قابلیت های مراقبت پلیس را گسترش و افزایش می دهد.**

قابلیت های مراقبت پلیس را گسترش و افزایش می دهد. پیشرفت و توسعه فن آوری موجب ادامه گسترش اشکال مراقبت موجود فعلی خواهد شد؛ برای مثال سیستم لوجک برای جلوگیری از سرقت اتومبیل روش مؤثری در افزایش خطر کشف می باشد. این وسیله در داخل موتور خودرو کار گذاشته می شود و وقتی فعال گردد این امکان را برای پلیس فراهم می سازد که بتواند محل دقیق خودرو را کشف کند.

کارمندانی که در فضاهای مشرف به بیرون کار می کنند می توانند همین نقش را در باز دارنگی جرایم بالقوه از طریق مراقبت کارکنان داشته باشند. بلیط فروشان ایستگاه های مترو، نگهبانان هتل ها یا سایرین می توانند در محیط ها یا محل های کار خودشان اقدام به افزایش مراقبت نموده و خطر وقوع جرم را افزایش دهند. «مراقبت طبیعی» مجموعه ای از روش های افزایش توانایی انسان ها یا ماشین ها برای مراقبت از یک منطقه می باشد. چراغانی خیابان ها این امکان را برای ساکنین یا عابرین فراهم می کند تا بر فعالیت هایی که در خیابان ها رخ می دهد، نظارت و دید کافی داشته باشند. به همین طریق از بین بردن یا رفع موانع دید از جلوی در منازل ممکن است موجب افزایش میزان رؤیت پذیری سارقین بالقوه منازل شود و مراقبت طبیعی عابرین و رهگذران از این طریق بیشتر گردد.

## ۳ - کاهش جاذبه آماج ها

هدف آخرین مجموعه از تکنیک های پیشگیری وضعی که «کلارک» آن ها را مورد بحث و بررسی قرار داده است، کاهش سود حاصل از ارتکاب جرم می باشد که با حذف آماج ها، منافع بالقوه ی حاصل از جرم را از دسترسی مجرمین بالقوه دور نگه می دارد. نمونه هایی از قبیل ارائه



بلیط به جای پول برای پرداخت به وسائط نقلیه عمومی (به نحوی که رانندگان دسترسی به پول نداشته باشند) استفاده از صندوق های قفل شونده زمانی در فروشگاه های شبانه روزی که سبب کاهش مقدار موجودی پول نقد و کاهش احتمال سرقت به عنف از حسابداران می شود، از جمله اقدامات مرتبط با روش های فوق الذکر می باشد. هم چنین با علامت گذاری اموالی که بیشتر، آماج سارقین اماکن واقع می شوند، می توان منافع بالقوه را کاهش داد و به این طریق اموال مذکور را برای دیگران بلااستفاده نمود. برنامه های علامت گذاری اموال و نشانه گذاری دام ها و ثبت شماره شناسایی اتومبیل در سایر قسمت های اتومبیل نمونه هایی از تدابیر شناسایی اموال به شمار می روند.

#### مبحث هشتم:

#### اشکالات و ایرادات وارد بر پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی از ابعاد مختلفی نیز مورد انتقاد قرار گرفته که با توجه به اهمیت و گستردگی بحث تصمیم گرفته شد موضوع انتقادات را با شرح و بسط کافی در این مقاله مطرح نماییم. اینک وقت آن رسیده تا به نقل و بررسی انتقادات بپردازیم. لذا در این جا به تعریف و بیان مفهوم پیشگیری وضعی نمی پردازیم و بحث را به طور مستقیم از انتقادات وارد به پیشگیری وضعی شروع می کنیم که تحت سه عنوان کلی تقدیم خوانندگان محترم می شود:

۱- فرصت مدار بودن جرایم موضوع این رهیافت از پیشگیری؛

۲- ایراد جا به جایی جرم؛

۳- تغییر دادن سبک زندگی، کار افراد، تجاوز به حریم خصوصی افراد و محدود نمودن آزادی های فردی.



### پیشگیری وضعی، در واقع تغییر سبک زندگی، کار و مضمون اجتماعی افراد، تغییر ساعات فعالیت (روزانه، ممل های رفت و آمد، صرف نظر کردن آنان از برفی علاقه ها و آرزوها) مثلاً داشتن خودروهای گران قیمت، یا استفاده از جواهرات توسط بانوان که برای سارقان مرفه ای وسوسه انگیزند (را می طلبد)

#### کفتار اول:

#### ایراد فرصت مدار بودن

قائلین به این ایراد بحث خود را چنین مطرح می کنند که رویکرد وضعی فقط جرایمی را می پوشاند یا به بیان دقیق تر، در مورد جرایمی قابل اعمال است که فرصت مدار (opportunistic) هستند؛ در حالی که بسیاری از جرایم شدید و خشونت آمیز بیش از آن که «فرصت مدار» باشند تابع احساسات و کشش های درونی هستند. در این جرایم مرتکب آن ها در هر حال سعی خواهد کرد تا فرصت لازم را ایجاد کند و علاوه بر این، مرتکب به دنبال یک هدف یا آماج خاصی است که شکار و زدن همان هدف مطلوب اوست فلذا حفاظت از آن آماج، وی را از ارتکاب جرم نسبت به آن هدف خاص منصرف نخواهد کرد.

فرصت مدار بودن به دو معنا قابل تصور است که در یکی از آن ها همه جرایم فرصت مدار هستند، بنابراین ایراد مزبور حل شده خواهد بود. در این مفهوم، فرصت مدار یعنی این که ارتکاب جرم در کنار سایر عناصر (وجود مرتکب + عدم مانع)، به وجود یک هدف یا آماج مناسب یا همان فرصت نیز نیاز دارد و بنابراین همه جرایم فرصت مدار هستند. اما آن چه منظور نظر خدشه

کنندگان به رویکرد پیشگیری وضعی است، فرصت مدار در معنی دیگر آن به مفهوم کسب سود مالی است؛ یعنی آن دسته از جرایمی که ارتکاب آن ها نوعاً تابع به وجود آمدن فرصت مناسب به معنی جذب سود (عموماً مادی) با ضرر و خطر کم تر برای مرتکب است. به بیان دیگر تا فرصت مناسب، قابل دسترس، سودمند و بی خطر برای مرتکب فراهم نگردد وی دست به ارتکاب جرم نمی زند و برای او فرقی ندارد که از بین اهداف سودمند موجود کدام را انتخاب کند.

آن چه مهم و مطلوب مرتکب است سودمند بودن هدف، بی ضرر بودن یا کم ضرر بودن حمله به آن و هم چنین سهل الوصول بودن سود مورد نظر است. به چنین جرایمی اصطلاحاً جرایم «سود مدار» یا «طریقی و ابزاری» گفته می شود بدین دلیل که ارتکاب آن ها ابزار و طریقی است برای رسیدن به سود که عمدتاً سود مادی است. این درست بر خلاف مواردی است که در آن ها فرصت در مفهوم اول مورد نظر است و مطلوب مرتکب چیزی است که فقط در یک فرد یا محل یا زمان خاص یافت می شود و هدف از ارتکاب آن ها نیز غالباً جلب منفعت مادی نیست. به این گونه جرایم اصطلاحاً جرایم «غیر سود مدار» یا «موضوعی یا نمادین» اطلاق می گردد؛ زیرا هدف از ارتکاب آن ها غالباً یا ظاهراً کسب سود مادی نیست بلکه خود وقوع جرم یا عملی کردن نقشه مجرمانه در مورد مجنی علیه معینی موضوعیت دارد. به عبارت دیگر، ارتکاب این گونه جرایم عادی است از آن چه در مافی الضمیر مرتکب می گذرد. ذکر مثالی برای روشن تر شدن بحث بسیار مفید خواهد بود. مثال بارز جرایم فرصت مدار در معنی دوم جرم سرقت و مانند آن است و جرم قتل با سبق تصمیم،

از جرایم غیر فرصت مدار در معنی دوم فرصت است.

در جرم اول هدف نهایی مرتکب تحصیل سود مالی است که از ربودن هر هدف مادی حاصل می شود و چنین اهدافی فراوانند و اگر یکی غیر قابل دسترس بود و یا دسترسی به آن دارای خطر و ضرر زیادتری نسبت به دیگری بود، مرتکب به سراغ هدف جایگزین خواهد رفت. اما در مثال قتل (در اغلب موارد و نه همه آن ها) قاتل به دنبال شخصی خاص با توجیهی خاص است و همه افراد به عنوان هدف قتل در نظر او بالسویه نیستند بلکه قاتل مثلاً به دنبال همسر خائن خود است یا به دنبال قاتل فرزند خود، نه به دنبال هر همسری یا به دنبال هر قاتلی. اگر تصور محاسبه سود (یعنی رسیدن به مطلوب) و اجتناب از خطر و ضررهای احتمالی در مورد اخیر نیز معقول و غالباً بدیهی است اما به نظر می رسد تا زمانی که مرتکب به مطلوب مورد نظر خود نرسد دست از آن فرد یا محل خاص نمی شوید و حاضر نیست به سراغ هدف مشابهی برود. فلذا در نظر منتقدین نظریه وضعی، پیشگیری آن با شگردهای موضعی، ممتنع یا دست کم ناموفق یا با میزان کم موفقیت روبه رو خواهد بود.

### گفتار دوم:

#### ایراد جابه جایی جرم

عنوان شده است که محافظت از هدفی خاص مثل یک خانه یا یک منطقه یا برخی مدل های خاص از خودروها باعث می شود که مرتکبین به منازل دیگر، مناطق همجوار یا سایر مدل های خودرو که محافظت شده نیستند یا از حفاظت ضعیف تری برخوردارند، روی آورند یا زمان حمله خود را تغییر دهند.

در این صورت گفته می شود جابه جایی به ترتیب در محل ارتکاب جرم یا آماج یا زمان ارتکاب جرم و به اصطلاح به صورت

طولی رخ داده است. هم چنین ممکن است مرتکبین احتمالی از شیوه های جدیدی برای ارتکاب جرم مورد نظر خود استفاده کرده و یا اصولاً به ارتکاب از انواع دیگری جرم بپردازند که در این صورت گفته می شود جابه جایی در نوع جرم یا جابه جایی عرضی به وقوع پیوسته است. «گردن تر اسلر» معتقد است جابه جایی به چهار شکل امکان پذیر است؛ جابه جایی در وقت ارتکاب جرم، در محل ارتکاب جرم، در نوع جرم و تغییر هدف یا آماج جرم. دو نویسنده دیگر به نام های «حکیم» و «رنگرت» به پنج نوع جابه جایی اشاره می کنند که علاوه بر چهار نوع مذکور توسط «گردن»، نوع دیگری یعنی جابه جایی و تغییر در شیوه ارتکاب جرم را نیز معرفی می نمایند.

### گفتار سوم:

#### تغییر دادن سبک زندگی، کار افراد و تجاوز به حریم خصوصی، خلوت افراد و محدود نمودن آزادی های فردی

#### ۱- تغییر سبک زندگی و کار افراد

پیشگیری وضعی، در واقع تغییر سبک زندگی، کار و حضور اجتماعی افراد، تغییر ساعات فعالیت روزانه، محل های رفت و آمد، صرف نظر کردن آنان از برخی علاقه ها و آرزوها (مثلاً داشتن خودروهای گران قیمت، یا استفاده از جواهرات توسط بانوان که برای سارقان حرفه ای و سوسه انگیزند) را می طلبد؛ یعنی صرف نظر کردن افراد از برخی حقوق و آزادی هایشان که تحت تأثیر تدابیر وضعی، محدود و یا حتی از میان می روند؛ تدابیری که می توانند هر گونه تحرک و یا حتی هر نوع اندیشه ای را با تجهیزات قوی نظارت الکترونیکی و پیشرفته، شناسایی و کنترل کنند (گسن، ۱۳۷۶، ص ۶۲۷) جامعه ای از نوع برادر بزرگ که «اورول» در کتاب خود با عنوان ۱۹۸۴ مطرح کرده است.

## ۲- تجاوز به حریم خصوصی و خلوت افراد

پیشگیری وضعی، خطر تجاوز به حریم خصوصی و خلوت افراد را که مورد حمایت ماده (۱۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۱-۱۷) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است، به دنبال داشت و ممکن است آثار نامطلوبی برای حقوق و آزادی های افراد به بار آورد؛ به عبارت دیگر، تدابیر پیشگیری وضعی با آزادی های فردی، باز بودن فضاهای کار و زندگی، آزادی رفت و آمد افراد، در عین گمنامی و آزادی حمل و نقل اموال و اشیا که در یک جامعه قانون مدار و مردم سالار ارزش و دستاورد تخطی ناپذیر تلقی می شود، سازگاری ندارد. آیا استفاده از فناوری های نوین از قبیل دوربین ها و چشم های الکترونیکی و نظارت ویدئویی که تمام رفت و آمدها را ثبت و ضبط کرده و امکان پردازش و سوء استفاده از این صحنه ها را برای ناظران و عوامل دولتی به ویژه در دولت های بی اعتنا به قانون مداری فراهم می کند، با آزادی رفت و آمد که در ماده (۱-۱۲) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر این که «هر کس که به طور قانونی در قلمرو کشور می باشد، حق عبور و مرور آزادانه مسکن خود را خواهد داشت» تضمین شده، مغایر نیست؟

## ۳- محدود نمودن آزادی های فردی

پیشگیری وضعی، آزادی های فردی از طریق محاصره ی فضاهای اجتماعی و محیط های مورد نظر، با حضور عوامل نهادهای دولتی و خصوصی متولی و متخصص تأمین امنیت و نهادهای مشارکتی محلی را محدود کرده و کسانی را که امکانات مادی لازم را برای ایمن سازی خود و اموالشان در برابر بزهکاری ندارد، تبدیل به آماج هایی بی دفاع در برابر بزهکاران مصمم می کند؛ زیرا این بزهکاران متعرض فضاها و آماج هایی می شوند که



کم تر محافظت شده یا از حفاظت ویژه ای برخوردار نیستند.

بدین سان، پیشگیری وضعی منجر به تبعیض مادی و نابرابری بزه دیدگان بالقوه در برابر بزهکاران شده و کسانی که امکانات مادی کافی برای ایمن سازی خود و اموالشان ندارند، بیشتر آماج بزهکاری واقع می شوند. بی تردید وظیفه دولت هاست که از طریق اعطای امکانات مادی یا گسترش بیمه، امکان جابه جایی جرم و انتخاب آماجهای آسان و بی دفاع را از بزهکاران سلب کنند. از آن جهت که در پیشگیری غیر کیفری از نوع وضعی «نظارت، مراقبت و کنترل و در نتیجه محدود سازی آزادی و حقوق افراد» دارای نقش اساسی بوده و برنامه ها و اقدام های آن با سلطه، مداخله و یا حضور عوامل امنیتی و پلیسی (دولتی یا خصوصی) همراه است (روبر، ۱۹۹۱، ص ۱۶)، می توان آن را تا اندازه ای یادآور پیشگیری کیفری از بزهکاری دانست.

### پیشنهادهات

۱- پیشگیری از بزهکاری یک امر ملی است و برای مبارزه با این پدیده علاوه بر استفاده از ساز و کارهای دولتی باید از توانایی ها و مشارکت نهادهای مدنی نیز بهره برداری شود. از این رو دولت باید تلاش کند در کنار اقدامات دولتی از اقدامات و امکانات جامعه برای پیشگیری از جرم استفاده کنند تا این عمل به نتیجه موفقیت آمیز منتهی گردد.

۲- یکی از مهم ترین موانع اجرای سیاست های پیشگیری از جرم مشخص نبودن متولی امر پیشگیری می باشد و این امر بر اساس بند "۵" اصل (۱۵۶) قانون اساسی بر عهده قوه قضاییه گذاشته شده است که متأسفانه معلوم نیست مسئولیت آن به عهده شورای عالی توسعه قضایی است و یا معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم.

امروزه در دنیا بحث پیشگیری فراتر از

دستگاه قضایی است و بیشتر دستگاه های اجرایی بیشتر به این مقوله می پردازند، که در این رابطه ایجاد شورای عالی پیشگیری از جرم در کشور امری ضروری است.

۳- بنابراین در امر پیشگیری، نهادی که وظیفه پیشگیری را بر عهده می گیرد باید پاسخ گو و نیز عملکرد آن باید از شفافیت برخوردار باشد بدین ترتیب این نهاد در برابر دستگاه ها و سازمان های دولتی و مردم و جامعه مدنی پاسخگو می باشد و از این طریق عملکرد آن مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۴- برابر اصل (۱۷۴) قانون اساسی قوه قضاییه حق نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری پیش بینی شده است. بر همین اصل قوه قضاییه با نقش نظارتی خود بر تأسیسات اجتماعی می تواند در امر پیشگیری از جرم نقش به سزایی ایفا نماید و در این راستا از وزار تخانه ها بخواهد که اقدامات ذیل را انجام دهند:

۵- قوه قضاییه باید از قوه مقننه بخواهد تا از تغییرات سریع و بعضاً شدید قوانین خودداری نماید؛ چرا که قوانین در دراز مدت بین قضات جامی افتد و امکان بهره مندی از آن و رفع نقائص ابهام از طریق ابزار قانونی مانند رأی وحدت رویه فراهم می آید. نکته دیگر این که امکان آموزش و آشنایی بیشتر مردم و ایجاد روح احترام به قانون در دراز مدت میسر است. لذا تغییرات سریع این توهم زا به وجود می آورد که این قانون به زودی تغییر می کند و نهایتاً امکان فرار از آن وجود دارد.

۶- در حال حاضر مأمورین انتظامی و قضات توان مقابله با کلیه جرایم ارتکابی را ندارند و عدم امکان اجرای قانون وضع شده، حرمت و احترام قانون را از بین می برد و باعث تجری افراد می شود. باید از مجلس این امر خواسته شود که از ایجاد جرایم جدید خودداری نماید.

۷- کار کارشناسی عمیق روی قوانین قبل از تصویب انجام شود تا بدین وسیله امکان اجرای قانون بررسی شده و عنداللزوم با تعدیل آن از اثرات منفی آن جلوگیری شود.

۸- قوه قضاییه باید برای بالا بردن کارایی نیروی انتظامی از قوه مجریه بخواهد که این نیرو را به وسایل مدرن مجهز نماید تا امکان برخورد سریع و مناسب را با مجرمان داشته باشند. از طرفی باید نسبت به ایجاد یک نیروی تخصصی مانند پلیس قضایی اقدام شوید.

۹- نظارت دقیق بر برنامه های تلویزیون و سینما و مندرجات مطبوعات داشته باشد.

۱۰- از دستگاه های مربوط بخواهد که در ایجاد تسهیلات در امر از دواج اقدام نمایند.

۱۱- توجه خاصی به کانون های فساد و تجمع مفسدین و افراد لابلالی و شرور، از طریق استقرار پایگاه های انتظامی در محل به منظور کنترل بیشتر و یا اساساً از بین بردن کانونهای فساد و اصلاح فرهنگ غلط حاکم بر بعضی جوامع سنتی از طریق فعالیت های فرهنگی.

۱۲- نظارت بر جلوگیری از مهاجرت.

۱۳- نظارت بر ایجاد مسکن.

۱۴- نظارت بر ایجاد شغل که در این راستا ایجاد شغل با توجه به وضعیت اقتصادی حاکم بر جامعه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است چرا که اکثر افرادی که مرتکب جرایمی نظیر سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت می شوند افرادی هستند که یا فاقد شغل می باشند و یا این که درآمد حاصله از شغل، تکافوی مخارج آن ها را نمی نماید.

پی نوشت ها:

۱) مسگرانی محمد، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۳، زمستان ۷۹.

۲) صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری وضعی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۴۴.